مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی
دوره ۱۵، شماره ۴، زمستان ۸۴، صفحات ۲۰۷ تا ۲۱۳

Original Article

بررسی تاثیر آموزش برآگاهی و نگرش دختران دبیرستانهای منطقه ۱۴ تهران نسبت به دوستی با جنس مخالف در سال ۱۳۸۴

دکتر محمد صاحب‌الزمانی[۱]، دکتر محبوبه صفوی[۱]، سیده‌ربابه ریاضی[۲]

[۱] استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پزشکی تهران
[۲] کارشناس ارشد روان‌پرستاری، دانشکده پرستاری ومامائی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پزشکی تهران

چکیده

سابقه و هدف: *دوستی با جنس مخالف به عنوان یک نیاز برای نوجوانان مطرح است، اما از آنجایی که در کشور اسلامی این دوستی‌ها منع شده است، خانواده‌ها، مسئولین مدارس و نیروی انتظامی گاه برخوردهای شدیدی به خاطر صحبت تلفنی یا قرار درخیابان با نوجوانان می‌کنند که منجر به پنهانی شدن این روابط همراه با اضطراب، خشم، افسردگی و. . . می‌شود که می‌تواند زمینه‌ای برای بیماریهای روانی و اخلاقی شود. آموزش می‌تواند با تغییر نگرش و افزودن آگاهی آنان باعث تغییر در رفتارهای نامناسب در دوستی باجنس مخالف گردد.*

روش بررسی: *این پژوهش یک تحقیق نیمه تجربی است که در ۹۰ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه اول و دوم از دو دبیرستان (گروه مورد و شاهد) منطقه ۱۴ تهران که بطور تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده بودند، انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای است که توسط دانش‌آموزان گروه مورد قبل و بعد از آموزش (۶ جلسه آموزش۹۰دقیقه‌ای به روش بحث گروهی) و گروه شاهد در دو مرحله تکمیل گردید.*

یافته‌ها: *نتایج نشان داد در آزمون اول بیشترین درصد واحدهای مورد پژوهش در هر دو گروه دارای نگرش و آگاهی متوسط بوده اما بعد از آموزش بیشترین درصد واحدهای مورد پژوهش در گروه مورد نمره نگرش مناسب کسب کردند ($p<۰/۰۰۱$)، در حالی‌که درگروه شاهد تفاوت معنی‌داری در آزمون مرحله دوم مشاهده نشد.*

نتیجه‌گیری: *نتایج حاصل از این پژوهش نیاز به اجرای برنامه‌های آموزشی منظم و موثر را جهت ارتقا سطح آگاهی و نگرش دانش‌آموزان درباره حدود دوستی با جنس مخالف مورد تایید قرار می‌دهد.*

واژگان کلیدی: *آموزش، آگاهی، نگرش، تفکر انتقادی، دوستی با جنس مخالف.*

مقدمه

با توجه به جمعیت جوان کشورمان (حدود ۱۶ میلیون نوجوان) (۱) توجه به مسائل این قشر از جامعه ضروری به نظر می‌رسد. دوستی با جنس مخالف به عنوان یک نیاز برای نوجوانان مطرح است (۲). در جوامع غربی روابط با جنس مخالف به عنوان مشکل شناخته نمی‌شود .سه چهارم نوجوانان در آمریکا معتقدند اگر دو نفر همدیگر را دوست داشته باشند رابطه جنسی قبل از ازدواج هیچ عیبی ندارد (۳). در ایران طبق چندین تحقیق به عمل آمده مشخص شده است که حدود۳۰ تا ۷۰ درصد نوجوانان به نوعی با این مسئله درگیرند (۴). در یک تحقیق گسترده که روی ۷۵ هزار از جوانان و نوجوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله در سراسر کشور انجام شد، ۴۵٪ از نمونه‌ها عنوان کردند که مسائل جنسی فکرشان را آزار می‌دهد و ۳۵٪ مطرح نمودند که بخاطر مسائل جنسی گاهی به دردسر افتاده‌اند (۵). اما از آنجایی‌که در جامعه اسلامی این امر به راحتی پذیرفته نمی‌شود، باعث ایجاد تعارض

آدرس نویسنده مسئول: تهران، خیابان زرگنده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پزشکی،
دکتر محمد صاحب الزمانی(**email**: szamani@iautmu.ac.ir)
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸٤/۷/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸٤/۱۰/۲۷

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-21]

می‌گردد که می‌تواند منجر به پنهانی شدن روابط شده و به اضطراب، افسردگی، درگیری خانوادگی و خطرات دیگر بیانجامد. از آنجایی‌که هیچگونه آموزشی درمورد روابط سالم و حدود دوستی صورت نمی‌گیرد، نیاز به برنامه آموزشی منظم و جامع با توجه به فرهنگ اسلامی کشور احساس می‌شود. مطالعه‌ای تجربی در دبیرستانهای شهر واشنگتن نشان داد که بعداز آموزش، تعداد دختران دانش‌آموز درگروه مورد که تصمیم گرفته بودند حداقل تا ۶ ماه آینده ارتباط جنسی برقرار نکنند بطور معنی‌داری بیش از گروه شاهد بود (۶). Ajuwan رفتارهایی که دختران و پسران نوجوان در نیجریه بعنوان تحمیل جنسی درک می‌کنند و زمینه‌هایی که این رفتارها در آن رخ می‌دهد را در ۴ کارگاه آموزشی مطرح کرد. علت رفتارها بی‌تجربگی، محدودیت مهارتهای کلامی، وضعیت وابستگی اقتصادی و هنجارهای جنسیتی سنتی زنان و دختران جوان بود و نشان داد که نیاز به آموزش مهارتهای زندگی برای تسهیل ارتباط و کمک به اصلاح عدم تعادل قدرت جنسیتی وجود دارد تا برای نپذیرفتن اعمال تحمیل جنسی تشویق شوند (۷). بحری با یک مطالعه توصیفی در دبیرستانهای جنوب تهران نشان داد که ۴۷/۶٪ دختران مورد بررسی دوستی ازجنس مخالف داشته یا دارند و دچار مشکلاتی شامل اضطراب، ترس از آینده و افت تحصیلی، احساس گناه، ناامیدی، افسردگی، عصبانیت، درگیری خانوادگی، آبروریزی و رسوایی، دستگیری توسط نیروی انتظامی، مشکلات خواب، مشکلات انحراف اخلاقی، از دست دادن دوستان خوب شده‌اند. همچنین مشکلات عاطفی وافت تحصیلی در دخترانی که دوستی ازجنس مخالف دارند بیشتر است (۸). چهارچوب پنداشتی این پژوهش بر اساس مفاهیم آموزش، آگاهی، نگرش، تفکر انتقادی و دوستی با جنس مخالف بنا نهاده شده است. آموزش فرایندی است که آگاهی، انگیزه و کمک لازم را برای در پیش گرفتن و حفظ رفتارهای سالم و شیوه زندگی صحیح برای مردم را فراهم می‌آورد (۹). یادگیری شامل شناسایی، کشف، پالایش وگسترش مفاهیم آگاهی فراگیر است و زمانی رخ می‌دهد که رفتار یا آگاهی فرد تغییر کند (۱۰). نگرش تمایل بسوی شیوه خاصی از رفتار است. نحوه رفتار به نگرش بستگی دارد (۱۱). در کشورهای آسیای جنوب شرقی نگرانی‌های زیادی در رابطه با ازدواجهای زودهنگام و پیامدهای آن برای دختران نوجوان وجود دارد که نیاز به آموزش منظم در این سنین را تایید می‌کند (۱۲). آمار مربوط به رابطه جنسی پیش از ازدواج در نوجوانان و سقط جنین و نیز جو کلی اجتماع در ایالات متحده نشان می‌دهد که آموزش جنسی به نوجوانان اقدامی پیش از موعد نیست (۳).

در این مطالعه به تعیین تاثیر آموزش بر آگاهی و نگرش دختران دبیرستانهای منطقه ۱۴ تهران در مورد دوستی با جنس مخالف در سال ۱۳۸۴ پرداخته شده است. آنچه مسلم است این‌که با بکارگیری روشهای صحیح و مؤثر آموزش می‌توان با ارتقا سطح آگاهی و نگرش، باعث تغییر الگوهای رفتاری افراد شد (۱۳).

مواد و روشها

این پژوهش یک تحقیق نیمه تجربی است که به منظور تعیین تاثیر آموزش بر آگاهی و نگرش دختران دبیرستانهای منطقه ۱۴ انجام شد. در این راستا بعد از تعیین مشخصات دموگرافیک نمونه‌ها، آگاهی و نگرش آنها قبل و بعد از آموزش تعیین و مقایسه شد. همچنین تاثیر برخی از مشخصات فردی بر آگاهی و نگرش نمونه‌ها بررسی شد. محیط پژوهش، دبیرستانهای دخترانه منطقه ۱۴ تهران و جامعه پژوهش دانش‌آموزان دختر این دبیرستانها در سال۱۳۸۴ بود که بصورت تصادفی و با قرعه‌کشی انتخاب شدند. تعداد نمونه با استفاده از فرمول حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵٪ و توان آزمون۸۰٪، ۴۱ نفر بدست آمد.

در مجموع ۹۰ نفر، ۴۵ نفر گروه مورد و ۴۵ نفر گروه شاهد بصورت تصادفی خوشه‌ای (ابتدا از بین مدارس منطقه ۱۴ دو دبیرستان و سپس از هر دبیرستان کل دانش‌آموزان دو کلاس پایه اول و دوم بطور تصادفی) انتخاب شدند. نمونه‌ها از دانش‌آموزانی بودند که والدینشان رضایتنامه را امضا کرده بودند، از سایر مناطق منتقل نشده و سابقه خواستگاری، نامزدی، مردودی، بزه و اخراج از مدرسه نداشته و قبلا در چنین پژوهشی شرکت نکرده بودند. برای سنجش از پرسشنامه‌ای شامل ۳ قسمت استفاده شد. قسمت اول مربوط به مشخصات دموگرافیک و شامل ۲۵ سئوال، قسمت دوم مربوط به سنجش نگرش و شامل ۴۲ سئوال و قسمت سوم برای سنجش آگاهی و حاوی۷۰ سئوال بود. سئوالات نگرش با مقیاس لیکرت سنجیده شد و بصورت "کاملا موافقم، تا حدی موافقم، تاحدی مخالفم وکاملا مخالفم" رتبه‌بندی گردید و امتیاز (۳-۰) به آن تعلق گرفت. سئوالات سنجش آگاهی دارای سه گزینه "صحیح ،غلط و نمی‌دانم" بود که به جوابهای "صحیح" نمره یک و به پاسخهای "غلط" و "نمی‌دانم" نمره صفر تعلق گرفت. برای تعیین اعتبار علمی پرسشنامه از اعتبار محتوی استفاده شد و بعد از تهیه آن با

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-21]

نظر ده نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه اصلاحات لازم صورت گرفت. جهت تعیین اعتماد علمی از آلفای کرونباخ برای بررسی ارتباط درونی پرسشها استفاده شد که این ضریب برای نگرش ۰/۸۸و برای آگاهی ۰/۷۴محاسبه گردید.

برای اجرای پژوهش بعد از دریافت معرفینامه کتبی از دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران و ارائه به اداره کل آموزش و پرورش استان تهران و سپس کسب اجازه‌نامه لازم از اداره کل و ارائه آن به آموزش و پرورش منطقه ۱۴تهران، معرفی نامه از منطقه ۱۴ به مسئولین مدارس انتخاب شده ارائه شد و بعد از کسب اجازه از مدیران، جلسه‌ای برای توجیه والدین و امضای رضایتنامه تشکیل شد که دانش‌آموزان همراه مادرانشان شرکت کردند. پرسشنامه توسط گروههای مورد و شاهد تکمیل شد. سپس آموزش با روش بحث گروهی برای دانش‌آموزان گروه مورد در ۶ جلسه در دو گروه (پایه اول ۲۵ نفر و پایه دوم ۲۰ نفر) با توجه به سرفصلهای تعیین شده انجام شد. سپس پرسشنامه توسط هر دو گروه مورد و شاهد تکمیل گردید و در پایان تاثیر آموزش با تجزیه و تحلیل آماری بررسی شد. برای این منظور آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS بکار گرفته شد.

یافته‌ها

در گروه مورد و شاهد میانگین سن به ترتیب ۱۵/۶ و ۱۵/۶ سال، معدل ۱۷/۲۰ و ۱۷/۹۱، سن اولین قاعدگی ۱۲/۹ و ۱۲/۸ سال، رتبه تولد ۲/۰ و ۲/۲، تعداد خواهر ۰/۸و ۰/۹ و تعداد برادر ۱/۰ و ۱/۲، سن پدر ۴۷/۱ و ۴۷/۷ سال و سن مادر ۴۰/۵ و ۴۰/۹ سال می‌باشد. آزمون آماری تی مستقل تنها در مورد معدل اختلاف معنی‌داری را نشان می‌دهد ($p<۰/۰۱$). ۴۸/۹٪ افراد گروه مورد و ۴۸/۹٪ افراد گروه شاهد گاهی با مادر خود اختلاف پیدا می‌کردند. این ارقام در مورد اختلاف با پدر به ترتیب ۳۷/۸٪ و ۴۶/۷٪ بود. ۵۵/۶٪ از هر دو گروه در پایه اول و در رشته عمومی و ۴۴/۴٪ در پایه دوم و در رشته ریاضی تحصیل می‌کردند. شغل پدر ۵۱/۱٪ افراد گروه مورد و ۵۷/۶٪ افراد گروه شاهد آزاد و شغل مادر ۹۵/۶٪ و ۸۶/۷٪ این افراد خانه‌دار بود. تحصیلات پدر در اکثریت واحدهای گروه مورد (۶۰٪) دیپلم و در بیشتر نمونه‌های گروه شاهد (۴۸/۹٪) زیردیپلم بود. تحصیلات مادر در بیشتر افراد گروه مورد (۵۳/۳٪) دیپلم و بالاتر و درگروه شاهد (۵۳/۳٪) زیردیپلم بود. در گروه مورد ۴۸/۹٪ کتابهای عشقی و در گروه شاهد ۴۰/۰٪ کتابهای متفرقه مطالعه می‌کردند. اکثریت نمونه‌ها درگروه مورد و شاهد (به ترتیب ۵۷/۸٪ و۵۳/۳٪) بطور مرتب نماز می‌خواندند. ۷۳/۳٪ افراد گروه مورد و ۹۳/۳٪ افراد گروه شاهد در ماه رمضان بیش از پانزده روز روزه گرفته بودند که آزمون آماری خی دو نشان می‌دهد تنها تقید به روزه گرفتن درگروه شاهد بطور معنی‌داری بیش از گروه مورد بوده است ($p<۰/۰۱$).

میانگین نمره نگرش در نمونه‌های گروه مورد ۱۰/۳۸±۷۷/۸۴ و درگروه شاهد ۹/۲۹±۸۰/۷۸ می‌باشد. آزمون آماری تی مستقل تفاوت معنی‌داری را در نمره نگرش دوگروه مورد و شاهد در ابتدای مطالعه نشان نمی‌دهد. گروه مورد بعد از آموزش دارای میانگین نمره نگرش ۱۳/۰۵±۹۶/۸۰ و گروه شاهد ۷/۳۸±۷۹/۸۰ می‌باشد. آزمون تی مستقل نشان می‌دهد بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p<۰/۰۰۱$) که نشان‌دهنده تاثیر آموزش در نگرش گروه مورد می‌باشد. برای مقایسه نمره نگرش گروه مورد قبل و بعد از آموزش از آزمون تی‌زوجی استفاده شد که تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد ($p<۰/۰۰۱$). این مقایسه در مورد گروه شاهد در پیش آزمون و آزمون نوبت دوم طبق آزمون تی‌زوجی نشانگر تفاوت معنی‌داری نیست.

در بررسی دقیقتر که با آزمون ویل‌کاکسون برای سئوالات نگرش (۴۲ سئوال) انجام شد، در تمامی سئوالات دانش‌آموزان گروه مورد بعد از آموزش نمره نگرش بالاتری کسب کردند گرچه این افزایش در بعضی موارد نسبی بوده است. برای مثال اکثریت دانش‌آموزان گروه مورد می‌دانستند که قصد پسران از دوستی با آنها ازدواج نیست و یا از خطرات قرار در منزل خود یا یکی از آشنایان، بخصوص بطور پنهانی آگاه بودند و خوشبختانه درصورت بهم خوردن دوستی به فکر خودکشی نمی‌افتادند. به همین خاطر چون از ابتدا در این موارد نگرش مناسب داشتند، بعد از آموزش افزایش در نمره نگرش چندان محسوس نیست و نسبی می‌باشد. اما درمورد ۲۸ سئوال تفاوت معنی‌دار بود. در مورد اشکال نداشتن دوستی با جنس مخالف: در رابطه با این سئوالات که "دوستی مقدمه‌ای برای ازدواج می‌شود و یا روشی مناسب برای اجتماعی شدن است" بعد از آموزش نگرش مناسبی پیدا کردند. در سئوالات مربوط به حد بی‌خطر دوستی‌ها در مورد مشکلات ایجاد شده در رابطه با نامه‌نگاری، ارتباط اینترنتی و یا قرار در خیابان و سینما نیز بعد از آموزشها نگرش مناسبی کسب کردند. در مورد قصد پسران از این دوستی متوجه شدند که قصد ازدواج معمولا درکار نیست و بیشتر به فکرکسب قدرت و تامین سرگرمی

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-21]

می‌باشند و در رابطه با خانواده‌ها اکثریت بعد از آموزش به این نتیجه رسیدند که بهتر است خانواده‌ها مطلع باشند و بالاخره توافق کردند که در دوستی پیشقدم نشده و غرورشان را حفظ کنند.

میانگین نمره آگاهی در نمونه‌های گروه مورد ۷/۶۷±۳۵/۳۶ و در گروه شاهد۸/۷۲±۳۷/۷۶ می‌باشد. آزمون آماری تی مستقل تفاوت معنی‌داری را در نمره آگاهی دوگروه مورد و شاهد در ابتدای مطالعه نشان نمی‌دهد. همینطورگروه مورد بعد از آموزش دارای میانگین نمره آگاهی۸/۱۵±۸۰/۴۲ و گروه شاهد در آزمون نوبت دوم ۹/۸۰±۳۵/۱۱ می‌باشد. آزمون تی‌مستقل نشان می‌دهد بین دو گروه تفاوت معنی‌داری (p<۰/۰۰۱) وجود دارد که نشان‌دهنده تاثیر آموزش در آگاهی گروه مورد می‌باشد. برای مقایسه نمره آگاهی گروه مورد قبل و بعد از آموزش از آزمون تی‌زوجی استفاده شده است که تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد (p<۰/۰۰۱). این مقایسه در مورد گروه شاهد در پیش‌آزمون و آزمون نوبت دوم طبق آزمون تی زوجی نشانگر تفاوت معنی‌داری نیست.

در بررسی دقیقتر، در تمامی ۷۰ سئوال دانش‌آموزان پس از آموزش نمره بالاتری کسب کردند. اینکه دوستی می‌تواند باعث آسیب دختران شود و یا بحث در این باره ضرورت دارد، بعضی از رفتارها در هنگام دوستی، وجود مدرسه نامرئی و نقش القای دوستان، تاثیر خانواده در انواع برخورد با جنس مخالف و وضعیت مطلوب دوستی‌ها آگاهی تا حدی مناسب بود که بعد از آموزش افزایش یافت اما در مواردی مثل هویت یابی، دلایل استمرار روابط حتی در صورت پی بردن به اشکال کار، حدود ارتباط از نظر اسلام، عوامل زمینه‌ساز برخوردهای نامطلوب، مجازات قانونی و پیامدهای دوستی از نظر روانی، خانوادگی، اجتماعی و تبعات فرار از خانه اطلاعات آنها بسیار پایین بود که بعد از آموزش در بیشتر موارد به ۱۰۰٪ رسید.

آزمون آماری مک نمار برای سنجش تفاوت نمرات در آزمونهای قبل و بعد از آموزش استفاده شد که در ۶۴ مورد از ۷۰ سئوال، تفاوت معنی‌دار بود (p<۰/۰۱).

ارتباط تغییرات نمره نگرش با متغیرهای کمی در گروه مورد با ضریب همبستگی پیرسون سنجیده شده که نشان می‌دهد با افزایش سن، پایه تحصیلی، معدل، سن اولین قاعدگی، تعداد برادر، سن پدر و سن مادر، بر میزان اثرگذاری آموزش بر تغییرات نمره نگرش افزوده می شود و با افزایش تعداد خواهر و رتبه تولد از این اثر کاسته می‌شود. اما این ارتباطات از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری ندارند. ارتباط تغییرات نمره نگرش با متغیرهای کیفی نشان می‌دهد، حداکثر تاثیر آموزش در نگرش واحدهای مورد پژوهش در دانش‌آموزانی بوده است که شغل پدرشان آزاد و دارای تحصیلات دیپلم بوده، با مادرشان گاهی اختلاف پیدا می‌کرده‌اند،کتابهایی غیر از کتابهای عشقی مطالعه کرده و بطور مرتب نماز می‌خواندند. آزمون آنالیز واریانس یکطرفه برای سنجش این ارتباطات انجام شد که نشان داد تفاوت درباره هیچکدام غیر از ارتباط با پدر معنی‌دار نیست (p<۰/۰۵). همینطور حداکثر تاثیر آموزش در نگرش واحدهای مورد پژوهش در دانش‌آموزانی بود که با پدر و مادرشان زندگی می‌کنند، مادرشان خانه‌دار بوده، تحصیلات زیردیپلم دارند و در ماه رمضان گذشته کمتر از ۱۵روز روزه گرفته‌اند. آزمون تی مستقل برای سنجش این ارتباطات انجام شد که نشان داد تفاوت در هیچکدام از موارد معنی‌دار نیست.

ارتباط تغییرات نمره آگاهی با متغیرهای کمی که با ضریب پیرسون سنجیده شد نشان داد تنها آنهایی که معدل بیشتری داشته‌اند، تغییرات نمره آگاهی بیشتری نیز کسب کرده‌اند ولی در سایر موارد اثر متغیر مورد بررسی (سن، پایه تحصیلی، سن اولین قاعدگی، تعداد خواهر، تعداد برادر، سن پدر، سن مادر و رتبه تولد) بر اثرگذاری آموزش بر تغییرات نمره آگاهی معکوس بوده است. این ارتباط در موارد سن، پایه تحصیلی و سن مادر معنی‌دار است (p<۰/۰۵). ارتباط تغییرات نمره آگاهی با متغیرهای کیفی نشان می‌دهد که حداکثر تاثیر آموزش در آگاهی دانش‌آموزانی بوده است که شغل پدرشان کارمند، تحصیلات دیپلم دارند، با مادرشان صمیمی می‌باشند ولی گاهی با پدرشان اختلاف دارند، کتابهایی غیر از کتابهای عشقی مطالعه کرده و مرتب نماز می‌خواندند. آزمون آنالیز واریانس یک طرفه برای سنجش این ارتباطات انجام شد که نشان می‌دهد تفاوت در هیچکدام از موارد معنی‌دار نیست. همینطور حداکثر تاثیر آموزش در آگاهی دانش آموزانی بوده که مادرشان خانه دار بوده و تحصیلات زیر دیپلم داشتند، با مادرشان زندگی می‌کنند و در ماه رمضان گذشته کمتر از ۱۵ روز روزه گرفته‌اند. آزمون تی مستقل برای سنجش این ارتباطات انجام شد و نشان می‌دهد تفاوت در هیچکدام از موارد معنی‌دار نیست.

بحث

یافته‌ها نشان داد که آموزش در نحوه نگرش دختران در همه موارد یعنی مشکل آفرین بودن دوستی با جنس مخالف، قصد پسران از این دوستی‌ها، حد بی‌خطر روابط، عکس‌العمل دختران در زمان بهم خوردن دوستی، عکس‌العمل خانواده‌ها در هنگام برملا شدن رابطه و چگونگی اقدام دختر برای شروع

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-21]

دوستی موثر بوده است. قبل از آموزش ۲۸/۹٪ واحدهای مورد پژوهش دارای نگرش مناسب بودند و بعد از آموزش ۸۶/۷٪ آنها دارای نگرش مناسب شدند، در حالیکه نگرش مناسب گروه شاهد در پیش‌آزمون ۳۳/۳٪ بوده و در آزمون نوبت دوم ۲۶/۷٪ شد که تفاوت معنی‌داری در نگرش آنها مشاهده نمی‌شود. براساس یافته‌های پژوهش اختلاف امتیاز نگرش واحدهای پژوهش در آزمون نوبت اول و دوم درگروه مورد از نظر آماری معنی دار است. Ajuwan در پژوهش خود با آموزش بصورت کارگاههای آموزشی باعث تغییر نگرش جوانان و نوجوانان شرکت کننده در تحقیق گردید که درک آنها در مورد تحمیل جنسی و زمینه‌هایی که این رفتارها (لمس ناخواسته، آزارکلامی، تهدید، بوسه ناخواسته، تجاوز و. .) در آن رخ می‌دهد، بهتر شده بود (۷). همینطور بررسیهای آماری نیکول و همکاران نشان داد که علیرغم آموزش جنسی و سرویسهای خدمات بهداشتی، کاهشی در حاملگی نوجوانان و بیماریهای منتقله جنسی به چشم نمی‌خورد. در این راستا سه فرضیه مطرح می‌شود: شاید آموزشی که توسط معلمان داده شده کافی نبوده و یا ارتباط مناسبی برقرار نکرده است. برای بسیاری از آنان بحث وگفتگو درباره مسائلی چون خودارضایی، همجنس بازی، تجاوز و سقط آسان نیست؛ دوم اینکه اعتماد نوجوانان برای سرویسهای خدمات بهداشتی جلب نگردیده و سوم فعالیت جنسی و حتی بارداری نوجوانان در زمان اولین دسترسی به پزشک نادیده گرفته شده است. به هرحال نیاز به ارتباط آموزش جنسی و قوانین سرویسهای بهداشتی وجود دارد (۱۴). این یافته با نتایج پژوهش مطابقت دارد و بر نیاز به آموزش مناسب برای بهبود نگرش تاکید می‌کند.

همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزش در افزایش آگاهی واحدهای پژوهش در تمام موارد یعنی ضرورت بحث درباره روابط دختر و پسر، هویت‌یابی نوجوانان، اصالت خانواده، برخورد مناسب بین دختران و پسران، تاثیر افکار نوجوان، شیوه برخورد خانواده و همینطور جامعه بر روابط نامطلوب، حدود ارتباط از نظر اسلام و از نظر قانون و بالاخره پیامدهای روانی، اجتماعی و خانوادگی این دوستی‌ها وتبعات فرار از خانه موثر بوده است. بطوری‌که میزان آگاهی قبل از آموزش در گروه مورد (۸۰٪) و در آزمون نوبت اول در گروه شاهد (۸۴/۴٪) در حد متوسط بوده است. بعد از آموزش میزان آگاهی در ۹۵/۶٪ نمونه‌های گروه مورد درحد بالا (مناسب) بوده، اما در آزمون نوبت دوم در گروه شاهد (۸۰٪) تغییری مشاهده نمی‌شود و هیچکدام آگاهی مناسب نداشتند. این مطلب نشان دهنده تاثیر آموزش بر افزایش آگاهی دانش‌آموزان مورد پژوهش در گروه مورد می باشد. به عبارتی آزمونهای آماری اختلاف معنی‌داری را در میانگین تغییرات امتیاز آگاهی قبل و بعد از آموزش درگروه مورد نشان می‌دهند اما در گروه شاهد اختلاف تغییر امتیاز آگاهی در آزمون نوبت اول و دوم معنی‌دار نمی‌باشد.

چاکرابارتی عنوان می‌کند که نیمی از همه زنان قبل از ۱۸ سالگی از نظر جنسی فعال می‌شوند و باید در مدارس آموزش لازم برای به تاخیر انداختن سن ازدواج داده شود. اطلاعات درباره آناتومی، فیزیولوژی، تغییرات بلوغ، جلوگیری از عفونت و بیماریهای منتقله جنسی ضروری است. فعالیتهای متمرکز بر افزایش اعتماد به نفس، آموزش مهارتهای زندگی مثل مهارتهای تفکر، حل مسئله، تصمیم‌گیری، ارتباط موثر و مسئولیت پذیری و تطابق با استرس باید گسترش یابد. همچنین آموزش برای شوهران و خانواده آنان برای درک همسران نوجوانشان مفید است (۱۵). آموزش جنسی یک ضرورت برای همه موسساتی است که به جوانان سراسر جهان رسیدگی می‌کنند. مردم باید همچنین بتوانند آزادانه درباره مسائل مربوط به جنسیت و ارتباط آن با زندگی روزمره صحبت کنند (۱۶). تقریبا تمامی شواهد نشان می‌دهد که آموزش جنسی یک ضرورت است، اما در محتوای آن بحث و گفتگوی زیادی هست. ۹۵٪ والدین در ایالات متحده معتقدند که نوجوانان باید تا پایان سن مدرسه از ارتباط جنسی خودداری کنند و۶۰٪ فکر می‌کنند که نوجوانان فعال جنسی باید به وسایل جلوگیری از بارداری دسترسی داشته باشند. همینطور عده‌ای طرفدار آموزش جنسی بر اساس "فقط پرهیز از ارتباط" می‌باشند که پرزیدنت بوش هم جزو آنهاست. تحت چنین برنامه آموزشی به نوجوانان گفته می‌شود که آنها باید از روابط جنسی تا بزرگسالی و ازدواج خودداری کنند، و اطلاعات درباره روشهای جلوگیری از بارداری نباید عرضه شود. مخالفان معتقدند این روش اطلاعات واقعی مورد نیاز نوجوانان را انکار می‌کند و می‌تواند منجر به حاملگی ناخواسته وگسترش بیماریهای مقاربتی شود (۱۷). تحقیقات ذکر شده بر نتایج مطالعه منطبق بوده و نشانگر تاثیر آموزش بر آگاهی دختران می‌باشد.

پژوهشهای بی‌شمار نشان داده‌اند که بسیاری از مشکلات بهداشتی و اختلالات روانی- عاطفی ریشه‌های روانی اجتماعی دارند. باید بخش اعظم آموزش و پرورش شاگردان، همیاری درکاوشگری مسائل مهم اجتماعی و تحصیلی باشد. برای اجرای فعالیتهای پرورشی باید روش فعال و مشارکت دانش‌آموزان در قالب استفاده از الگوهای جدید تدریس مورد

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-21]

توجه قرار گیرد. مدارس تنها محلهایی هستند که جوامع می‌توانند برای تصحیح کمبودهای کودکان و نوجوانان در صلاحیتهای احساسی و اجتماعی به آنها روی بیاورند. مشاوران با امکان بیشتر شناسایی دانش‌آموزان دارای مشکلات عاطفی، با آموزش مناسب می‌توانند ارتباط مناسب با آنها برقرار کرده وکمک موثری به هویت‌یابی، ارائه الگوهای مناسب، تقویت نقاط مثبت نوجوان، افزایش عزت نفس، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت، اجازه گفتگو درباره واقعیات جنس مخالف، کمک به تعیین اهداف مناسب، و تشکیل جلسات خلاقیت برای افزایش قدرت تفکر انتقادی داشته باشند. از طرف دیگر با توجیه معلمان نسبت به اهمیت آموزش صحیح رفتارها و مهارتهای ارتباط در موقعیتهای خاصی که درکلاس دست می‌دهد، می‌توان آنها را نیز درگیر این آموزش کرد. معلمین باید فضا و فرصتهایی را در اختیار فراگیران قرار دهند تا درک خود را از مسائل آشکار کرده و سپس به دیدگاهها و فرضیه‌های دیگر توجه کنند. آموزش معلمان برای یادگیری مهارتهای زندگی ضروری است. معلمان کارآزموده باید آموزش جنسی را بصورت منظم، علمی، روشن و کاربردی به نوجوانان ارائه دهند. کیفیت رابطه والد- فرزندی یک عامل تعیین‌کننده قوی در رفتار جنسی نوجوانان است. آموزش می‌تواند در جهت داشتن رابطه‌ای صمیمی با نوجوان و تاکید به اختصاص دادن زمانی برای مطرح کردن مشکلات و درگیریهای ذهنی نوجوان بصورت فردی و یا در جمع خانواده باشد. این کار از طریق جلسات منظم آموزش خانواده قابل اجراست. همچنین جامعه می‌تواند با ایجاد مکانهای معین برای تبادل افکار نوجوانان دختر و پسر تحت نظارت والدین، نظارت بر رسانه‌های جمعی و گروهی، ایجاد مراکز تفریحی و ورزشی به‌خصوص برای دختران، ایجاد کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در سطح شهر و پرکردن خلاهای اوقات فراغت به مثبت‌گرایی نوجوانان، کمک و مساعدت نماید و نیرویی موثر برای تلاش و سازندگی اجتماعی، در آنان بوجود آورد. باید فرهنگ‌سازی با استفاده از نمایش فیلم‌های مناسب، ارائه سمینارهای بهداشتی مخصوص نوجوانان به ویژه در رادیو تلویزیون، برگزاری جلسات با حضور متخصصین تربیتی و روانشناسان مبنی بر ریشه‌یابی مشکلات آنها صورت پذیرد. به هرحال شناخت به موقع مشکلات اجتماعی شانس برطرف کردن آن را بالا می‌برد.

امید است یافته‌های این پژوهش بتواند در شناخت یکی از مشکلات نوجوانان مفید واقع شده و به دنبال آن بتوان با اصلاح در شیوه‌های حل مشکلات در این گروه سنی با یک برنامه‌ریزی صحیح در جهت رفع مشکلات گام برداشت.

در پایان با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- پژوهش در مناطق دیگر آموزش و پرورش انجام شود که البته باید بر اساس بافت منطقه تغییراتی در محتوی آموزش داده شود. آموزشها برای دانش‌آموزان پسر نیز انجام شود.
- همانطور که دختران در مهارتهای ارتباطی ضعیف هستند و باید آموزش ببینند، پسران نیز در برقراری ارتباط صحیح و معقول دچار ضعف هستند.
- آموزش در سنین پایینتر (دوره راهنمایی) انجام شده و نتایج آن بررسی گردد.
- آموزش برای والدین کاملا ضروری به نظر می‌رسد تا بتوانند عکس‌العمل درستی در مواجهه با ارتباطات مناسب یا نامناسب دخترانشان نشان دهند.
- بحث در مورد روابط دختر و پسر در دروس دبیرستانی مثل درس مهارتهای زندگی (افزایش عزت نفس، تصمیم-گیری، حل مسئله، تفکر انتقادی، خودشناسی، روابط موثر اجتماعی) گنجانده شود .
- از طریق آموزش خودشناسی (خودآگاهی، تصمیم گیری شخصی، اداره احساسات، روبرو شدن با فشار، همدلی، ایجاد ارتباط، قبول خود، قاطعیت) تلاش در ایجاد نگرش مناسب و افزایش آگاهی در مورد ارتباط صحیح صورت گیرد.
- از طریق آموزش مهارتهای ارتباط موثر (ارتباط با خود، با مردم، با خلقت، و با خدا)، درمان خود کم‌بینی، احترام به خود و کمال‌گرایی می‌توان به نتیجه مورد نظر دست یافت.
- از روشهای دیگر آموزش مثل روش حل مسئله، استفاده از فیلم‌های مختلف مرتبط با موضوع، جلسات رویارویی با والدین، ایفای نقش و. . . . استفاده شود.

تشکر و قدردانی

نگارندگان این مقاله مراتب سپاس و قدردانی خود را از مسئولین آموزش و پرورش، هسته مشاوره، و پرسنل و دانش‌آموزان مدارس مورد مطالعه ابراز می‌دارند.

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-21]

REFERENCES

۱. مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور. تهران: مدیریت انتشارات واطلاع رسانی، سال ۱۳۸۱.

۲. جاودانی ن (مولف). روابط دختر و پسر در جامعه امروز. تهران: انتشارات کتاب درمانی، سال ۱۳۸۲.

۳. یاسایی م. در ترجمه رشد و شخصیت کودک، مانسن پاول هنری ودیگران(مولفین). تهران: انتشارات مرکز نشر، سال ۱۳۸۰.

۴. گلزاری م. آموزش مشاوره با نوجوانان در زمینه ارتباط با جنس مخالف. دومین کنگره بین المللی روان درمانی در شرق وگفتگوی تمدنها. تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، سال ۱۳۸۳.

۵. میرباقری م. نتایج پژوهش ملی در وضعیت و نگرش و مسائل جوانان۱۴ تا ۱۹ ساله استان تهران. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱.

6. Aarons SJ, Raine TR, Jenkins RR. Postponing sexual intercourse among urban junior high school students. J Adolesc Health 2000;27(1):236-47.

7. Ajuwan AJ, Jimoh IA, Olley BO, Akintola O. Perceptions of sexual coercion: learning from young people, Ibadan, Nigeria. Reproductive Health Matters 2000;9(17):128-36.

۸. بحری ل. بررسی انواع و میزان مشکلات عاطفی، رفتاری و ارتباط آنان با پیشرفت تحصیلی و عمل به باورهای دینی نزد دانش آموزان دختر جنوب شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده روانشناسی وعلوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۸۱.

۹. شجاعی ج. در ترجمه درسنامه پزشکی پیشگیری اجتماعی: کلیات خدمات بهداشتی، پارک جی ال، پارک ک (مولفین). جلددوم، چاپ چهارم. تهران:نشر سماط، سال ۱۳۸۰.

10. Billings DM, Halsted JA, editors. Teaching in nursing; A guide for faculty. 2nd edition. USA, Missouri: Elsevier Saunders; 2005.

۱۱. عبدالعلیان م (مولف). روشهای تدریس و یادگیری در آموزش پرستاری. چاپ اول، بابل: انتشارات علوم پزشکی بابل، سال ۱۳۸۱.

12. Adhikari RK. Early marriage and childbearing: risks and consequence. Adolesc Sexual Reprod Health 2003;4:62-6.

13. Potter P, Perry A, editors. Fundamental of nursing; Professional standard nursing practice. 1st edition. St Louis: Mosby; 2001.

14. Nicoll A, Catchpole M, Cliffe S, Simms I, Thomas D. Sexual health of teenagers in England and Wales. Br Med J 1999;318:1321-3.

15. Chakrabarti V. Population education in formal and non-formal sectors in India. Family Life and Sex Education 2001;178-180.

16. Akaya CW. Promoting responsible reproductive health behaviour; The youth perspective, voices of pacific youth. Available from: http://www.un.org/popin/asiapac/figi/news/dec2/htm.

17. Wikipedia. Sex education, The free encyclopedia. 2005;21:42. Available from: http://www.Upm.edu.MY.

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-21]